

فارسی کرمان

مضارع التزامی در نقش ماضی نقلی

مقایسه‌یی که در زمینه کاربرد افعال در دستور زبان آیینی و گفتار روزمره فارسی زبانان صورت می‌پذیرد گذشته از این که راه‌گشای فراگیری زبان محاوره فارسی خواهد بود متضمن نکته‌هایی سودمند در سیر تحول زبان است و اهمیت این موضوع در نظر بسیاری از پژوهندگان از تحول واژگان زبان یا واگن شناسی تطبیقی کمتر نیست زیرا تاچندی پیش دستور زبان را از نظر تحول نفوذ ناپذیر می‌پنداشتند و یا تحول آن را بسیار جزئی و نامعتبر می‌شمردند. مثلاً در زبان گفتاری فارسی محدود شدن کاربرد فعل مستقبل و توسعه تدریجی کاربرد فعل مضارع به جای آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و حتی کاربرد معنایی و جوه‌گوناگون افعال در گویشهای فارسی از نظر دور مانده است. در این مختصر کوشش شده است تا کاربرد ویژه فعل مضارع التزامی را در فارسی کرمان تا حدی که ممکن باشد با روشی غیر فنی که فایده آن عام باشد بیان کند و یکی از مسائل اساسی تحول زبان در زمینه

دستور را مطرح سازد :

کار برد ساختها یا صیغه های فعلی زبان فارسی بنا به دستور آیینی محدود تر از کاربرد آنها در لهجه هاست مثلا در زبان رسمی نقل پیشامدی که در گذشته روی داده است به دو وجه کلی صورت می پذیرد . به نقل زیر توجه کنیم :

۱- « عروس و داماد کنار خیابان ایستادند که سوار تا کسی بشوند، پیدا نکردند، سوار تا کسی بار شدند، همین که تا کسی بار خواست دور بزند ماشین خط رسید و تا کسی بار را از وسط دو نیمه کرد ، اتاقش را طوری کوبید که درش را بادپلم باز کردند ، نعشها را کشیدند بیرون» این نقل از زبان کسی است که خود شاهد ماجرا بوده است . همین حادثه را در زمان واحد شخصی دیگر که خود در محل حادثه نبوده است بدین گونه نقل می کند :

۲- « عروس و داماد کنار خیابان ایستاده اند که سوار تا کسی بشوند ، پیدا نکرده اند ، سوار تا کسی بار شده اند ، همین که تا کسی بار خواسته است دور بزند ماشین خط رسیده و تا کسی بار را از وسط دو نیمه کرده است ، اتاقش را طوری کوبیده است که درش را بادپلم باز کرده اند ، نعشها را کشیده اند بیرون» این دو نقل یکی به شیوه دیداری به صیغه ماضی ساده و دیگری به شیوه شنیداری در ماضی نقلی آمده است و از لحاظ زمانی اختلاف ندارند و نمی توان گفت که یکی مقدم بر دیگری بوده است و تفاوت نقل تنها مربوط به سخن گزار است که در نقل اول معاینه مستقیم خودش را به شیوه دیداری بیان می کند و در نقل دوم ماجرای را که شنیده است به شیوه شنیداری در آورده

است. این دو کاربرد درهمه لهجه‌ها رایج است .
 نقل شنیداری که در مثال دوم بازنموده شده است به صورت‌های
 دیگری ، از آن جمله به صیغه مضارع اخباری در زبان و لهجه‌های
 فارسی وجود دارد .

۳- « عروس و داماد کنار خیابان می ایستند که سوار تا کسی بشوند ،
 پیدا نمی کنند ، سوار تا کسی بار می شسوند ، همین که تا کسی بار
 می خواهد دور بزند ماشین خط می رسد و تا کسی بار را از وسط دو
 نیمه می کند ، اتاقش را طوری می کوبد که درش را بادیلیم باز می کنند ،
 نعشها را می کشند بیرون .^۱ »

گذشته از این نمونه‌ها برای نقل شنیداری کاربرد دیگری از
 از صیغه مضارع التزامی وجود دارد که ویژه لهجه هاست و در زبان
 آیینی به کار نمی‌رود این نمونه که از فارسی کرمان برداشته شده و
 آوا نوشت آن در صفحه بعد آمده از این قرار است :

۴- « عروس و داماد کنار خیابان بایستند که سوار تا کسی بشوند ،
 پیدا نکنند ، سوار تا کسی بار بشوند ، همین که تا کسی بار بخواهد
 دور بزند ماشین خط برسد و تا کسی بار را از وسط دو نیمه کند ، اتاقش
 را طوری بکوبد که درش را بادیلیم باز کنند ، نعشها را بکشند بیرون .^۲ »
 این حادثه چنان که دیدیم در وجه دیداری به ساخت ماضی ساده
 و در وجه شنیداری به ساخت ماضی نقلی و مضارع خبری در زبان و
 لهجه‌ها می‌آید ولی کاربرد مضارع التزامی در شیوه شنیداری در زبان
 مطرح نیست و در برخی لهجه‌های دیگر جز فارسی کرمان شاید وجود
 داشته باشد . از نظر دستور زبان آیینی این گونه کاربرد مستثنا و

یا خلاف قاعده پنداشته می‌شود و دستور زبان شناسی این پدیده را ضمن جدا کردن ساخت و نقش فعل از یکدیگر عنوان و توجیه می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی پژوهشی

۱- برای سهولت مطالعه از نقل ماجرا به صورت آوانوشت گویشی در متن خود داری شد .

۲- / arus o dumâd kenâre xyâbun vâstan ke sevâre tâksi bešan tâksi pejdâ nekonan sevâre tâksibâr bešan hamčîn ke tâksibâr hexâ dowr bezene mâšine xat berese tâksibâre az vesat do nesf kone wo otâqeše towri bekube ke dæreše bâ dejlam vâ (z) konan na. šâre bekešan ve birun/

در این آوا نوشت / θ / واگه کوتاهی میان فتحه و کسره است .